

لائودکیه — نمبر پانچ

سه پایانی

Jeff Pippenger

2023-09-03

در حالت ایده‌آل، هفت کلیسا و هفت مهر باید به‌عنوان نمادهای موازی فهمیده شوند که خطوط درونی و بیرونی یک تاریخ واحد را نمایندگی می‌کنند. همچنین مهم است توجه شود که هنگام بررسی سه کلیسای آخر و سه مهر آخر، خط تاریخی‌ای که نمایانگر تاریخ پیش‌رونده است، موضوع اصلی این نمادها نیست. هنگامی که کلیساهای در بستر تاریخ‌های موازی به‌کار برده می‌شوند، پیشرفت تاریخ عنصری اساسی از این نمادپردازی است؛ اما هنگامی که سه کلیسای آخر و سه مهر به‌عنوان نمادی مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند، چنین نیست.

سه کلیسای آخر، به‌عنوان نماد، دربارهٔ رابطهٔ سه گروه و پویایی تعامل سه گروه پرستش‌کننده است که به‌وسیلهٔ کلیساهای گوناگون نمایان شده‌اند. سه مهر آخر، قوم خدا را چنان‌که به‌وسیلهٔ موسی و ایلیا نمایان شده‌اند، شناسایی می‌کنند. ایلیا نمایانگر صد و چهل و چهار هزار است، و موسی نمایانگر مردگان عادل.

اور چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذبح، جان‌های آنان را دیدم که به سبب کلام خدا و به سبب شهادتی که بدان متمسک بودند کشته شده بودند. و ایشان به آواز بلند فریاد برآوردند و گفتند: «ای خداوند قدوس و حق، تا به کی داوری نمی‌کنی و خون ما را از ساکنان زمین انتقام نمی‌گیری؟» و به هر یک از ایشان جامه‌ای سفید داده شد؛ و بدیشان گفته شد که اندک زمانی دیگر بیایند، تا هم‌خدامان ایشان نیز و برادرانشان که می‌بایست همچون ایشان کشته شوند، کامل گردند. و چون مهر ششم را گشود، اینک زلزله‌ای عظیم پدید آمد؛ و خورشید چون پلاس مویین سیاه شد، و ماه چون خون گردید؛ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، چنان‌که درخت انجیر، چون از بادی سخت جنیده شود، انجیرهای کال خود را فرو می‌افکند. و آسمان چون طوماری که درهم پیچیده شود، از میان رفت؛ و هر کوه و جزیره‌ای از جای خویش حرکت کرد. و پادشاهان زمین، و بزرگان، و دولتمندان، و سرهنگان، و زورآوران، و هر غلام و هر آزاد، خویشان را در مغاره‌ها و در صخره‌های کوه‌ها پنهان کردند؛ و به کوه‌ها و صخره‌ها گفتند: «بر ما بیفتید و ما را از روی آن تخت‌نشین و از غضب بره پنهان سازید؛ زیرا روز عظیم غضب او فرا رسیده است؛ و کیست که بتواند بایستد؟» مکاشفه ۹:۶-۱۷.

خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که مهر پنجم به «دوره‌ای از زمان در آینده» اشاره دارد. آیات مهر پنجم می‌پرسند که خدا چه زمانی پاپیت را به سبب کشتار قوم خدا در دوران قرون تاریک داوری خواهد کرد. پاسخ داده شد که در «ایام آخر» خدا پاپیت را هم به سبب آن قتل‌ها و هم به سبب گروه دیگری از شهیدان پاپی که آنان نیز در خلال بحران قانون یکشنبه به دست پاپیت کشته خواهند شد، داوری خواهد نمود.

«و چون مهر پنجم را گشود... [مکاشفه ۹:۶-۱۱]. در این‌جا صحنه‌هایی به یوحنا عرضه شد که در واقعیت موجود نبود، بلکه آنچه بود که در دوره‌ای از زمان در آینده واقع می‌شد.» Manuscript Releases جلد ۲۰، ص. ۱۹۷.

الهام نیز تأیید می‌کند که جان‌هایی که زیر قربانگاه‌اند و مشتاق‌اند بدانند خدا چه هنگام پاپیت را داوری خواهد کرد، با آن دو صدای فرشته‌ای که در باب هجدهم مکاشفه زمین را با جلال خود منور می‌سازد،

مرتبط هستند.

«پانچویں مهر کے کھلنے پر، یوحنا مکاشفہ بین نے رؤیا میں مذبح کے نیچے اُس جماعت کو دیکھا جو خدا کے کلام اور یسوع مسیح کی گواہی کے سبب قتل کی گئی تھی۔ اُس کے بعد وہ مناظر آئے جن کا بیان مکاشفہ کے اٹھارہویں باب میں ہے، جب وہ لوگ جو وفادار اور سچے ہیں، بابل میں سے بلائے جاتے ہیں۔ مکاشفہ 5-18:1-5 نقل کیا گیا۔» Manuscript Releases، جلد 20، 14.

در باب هجدهم مکاشفہ، داوری کاتولیسیم دوچندان است، زیرا در آنجا و در آن هنگام، او نہ تنها بہ سبب کسانی کہ در «ایام آخر» بہ قتل خواهد رساند، بلکه همچنین بہ سبب قربانیان قتل کی کہ در دوران تاریک حاکمیت پاپی رخ داد، مجازات می شود.

و صدای دیگری از آسمان شنیدم کہ می گفت: «ای قوم من، از او بیرون آید، مبادا در گناہانش شریک شوید و مبادا از بلاہایش نصیبی ببرید. زیرا گناہان او تا بہ آسمان رسیدہ است، و خدا بی قانونی های او را بہ یاد آورده است. او را همان گونه کہ او پاداش دادہ است، پاداش دهید، و مطابق اعمالش دو چندان بہ او جزا دهید؛ در جامی کہ او پر کردہ است، برای او دو چندان پر کنید.» مکاشفہ 6-18:4

مهر ششم یکی از نمونه های کلاسیک کتاب مقدس از رویدادهایی را ارائه می دهد کہ در خلال هفت بلای آخر، بلافاصلہ پیش از ظهور ثانوی مسیح رخ می دهند. این مهر با مقدمه ای بر فصل هفتم مکاشفہ بہ پایان می رسد؛ فصلی کہ پاسخ پرسشی را فراہم می سازد کہ در آخرین آیہ مهر ششم مطرح شدہ است: «چه کسی قادر خواهد بود کہ بایستد؟» دو گروه وجود دارند کہ در بحران قانون یکشنبہ، کہ با فرارسیدن هفت بلای آخر بہ اوج و پایان خود می رسد، همچون علم خدا خواهند ایستاد. آن دو گروه عبارت اند از یکصد و چهل و چہار ہزار نفر کہ بہ وسیلہ ایلیا نمایش دادہ شدہ اند، و «آن گروه عظیم» کہ بہ وسیلہ موسی نمایش دادہ شدہ است. این دو نماد موسی و ایلیا پیش تر بہ عنوان کسانی شناسایی شدہ بودند کہ در پایان جہان می ایستند؛ زیرا ہر دوی ایشان با مسیح بر کوہ تجلی ایستادند.

گروه نخست شہیدان پاپی از اعصار ظلمت، جامہ های سفید بہ ایشان دادہ شد؛ و گروه دوم، کہ بہ آنان گفتہ شد تا هنگامی کہ آن گروه کامل شود انتظار بکشند، همان «جمعیت عظیم» هستند کہ ایشان نیز جامہ های سفید در بر دارند. مهر پنجم و ششم، تاریخ موازی کلیسای پنجم و ششم را ارائه نمی کنند، بلکہ درباره آن دو گروهی شہادت می دهند کہ در «ایام آخر» بہ منزلہ علمی برای خداوند برمی خیزند. آن دو گروه همان کسانی هستند کہ پیام های آن دو صدا را در مکاشفہ باب ہجده اعلام می کنند. پیامی کہ آنگاہ اعلام می شود، با ریزش روح القدس ہمراہ است، چنان کہ بہ وسیلہ تاریخ پنتیکاست و تاریخ فریاد نیمہ شب در آغاز ادونتیسم نمونہ وار گردیدہ است.

«فرشتہ ای کہ در اعلام پیام فرشتہ سوم متحد می شود، باید تمامی زمین را با جلال خویش روشن سازد. در اینجا کاری با دامنه ای جہانی و قدرتی بی سابقہ پیشگویی شدہ است. جنبش ادونتی سال های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه ای پر جلال از قدرت خدا بود؛ پیام فرشتہ اول بہ ہر ایستگاہ بشارتی در جہان رساندہ شد، و در برخی کشورہا عظیم ترین علاقہ دینی پدید آمد کہ از زمان اصلاحات سدہ شانزدہم تاکنون در ہیچ سرزمینی دیدہ نشدہ بود؛ اما اینہا باید بہ وسیلہ آن جنبش نیرومند تحت آخرین ہشدار فرشتہ سوم پشت سر نہادہ شوند.»

این عمل مشابہ آنچه در روز پنتیکاست واقع شد، خواهد بود. همان گونه کہ «باران نخستین» در ریزش روح القدس در آغاز بشارت انجیل عطا شد تا موجب رویش بذر گران بها گردد، همچنین «باران آخر» در پایان آن برای رسیدن محصول عطا خواهد شد. «پس اگر در پی معرفت خداوند باشیم، آنگاہ خواهیم دانست؛ طلوع او چون صبح مہیا است، و او برای ما مانند باران خواهد آمد،

مانند باران آخر و باران نخستین بر زمین.» هوشع ۳:۶. «پس ای فرزندان صهیون، شادی کنید و در یهوه خدای خود مسرور باشید؛ زیرا او باران نخستین را به اندازه به شما داده است، و باران را برای شما فرو خواهد فرستاد، یعنی باران نخستین و باران آخر را.» یوئیل ۲:۲۳. «خدا می‌گوید: در روزهای آخر از روح خود بر تمامی بشر خواهم ریخت.» «و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» اعمال ۲:۱۷، ۲۱.

"کار عظیم انجیل نباید با ظهوری کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغاز آن را مشخص ساخت، به پایان برسد. نبوت‌هایی که در ریزش باران نخستین در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر در باران آخر در پایان آن تحقق خواهند یافت. اینک همان «اوقات تازگی» است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آنگاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، چون که اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال ۳:۱۹، ۲۰." The Great Controversy, 611

پس از آن که مهر ششم آن پرسشی را مطرح می‌سازد که ایلیا و موسی، که در باب هفتم مکاشفه نمایانده شده‌اند، به آن معرفی می‌شوند، مهر هفتم گشوده می‌شود و ریزش روح‌القدس بر آن دو گروه را توصیف می‌کند. باید توجه داشت که در این توصیف، سکوتی به مدت نیم ساعت وجود دارد. ریزش باران آخر، که با گشوده شدن مهر هفتم نمایانده شده است، دوره‌ای از سکوت را دربر می‌گیرد.

اور جب اُس نے ساتویں مہر کھولی تو آسمان میں قریب آدھے گھنٹے تک خاموشی چھا گئی۔ اور میں نے اُن سات فرشتوں کو دیکھا جو خدا کے حضور کھڑے رہتے ہیں، اور انہیں سات نرسنگے دیے گئے۔ پھر ایک اور فرشتہ آیا اور قربان گاہ پر کھڑا ہوا، اُس کے پاس سوئے کا بخوردان تھا؛ اور اُسے بہت سا بخور دیا گیا تاکہ وہ اُسے تمام مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ اُس سوئے کی قربان گاہ پر چڑھائے جو تخت کے سامنے تھی۔ اور بخور کا دھواں، جو مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ فرشتہ کے ہاتھ سے اُٹھا، خدا کے حضور پہنچ گیا۔ پھر فرشتہ نے بخوردان لیا اور اُسے قربان گاہ کی آگ سے بھر کر زمین پر پھینک دیا؛ اور آوازیں، اور گرجیں، اور بجلیاں، اور بھونچال پیدا ہوا۔ مکاشفہ ۵:۸-۵۔

چنان‌که ہمیں اکنون در بخشی از کتاب «نبرد عظیم» اشاره شد، باران اخیر از هنگامی آغاز می‌شود که آن فرشته نیرومند فرود می‌آید و زمین را از جلال خویش منور می‌سازد. باران اخیر هنگامی آغاز شد که «ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شدند» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

«اکنون این سخن از کجا آمده است که من اعلام کرده‌ام نیویورک باید به وسیله یک موج عظیم جزر و مدی روبیده شود؟ من هرگز چنین چیزی نگفته‌ام. آنچه گفته‌ام این است که، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه سر برمی‌آوردند می‌نگریستیم، گفتیم: "چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد، آنگاه که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه کلمات مکاشفہ ۱۸:۱-۳ به انجام خواهد رسید." تمام باب هجدهم مکاشفہ هشدار می‌دهد که درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما من نور خاصی در خصوص آنچه بر نیویورک خواهد آمد ندارم، جز اینکه می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آنجا به وسیله گردش و واژگونی قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می‌دانم که هلاکت در جهان است. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هراس‌انگیزی آنها را نمی‌توانیم تصور کنیم.» Review and Herald, July 5, 1906.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، باران آخر شروع به باریدن کرد، و ریزش آن باران بر کسانی فرو می‌ریزد که به وسیله ایلیا و موسی نمایان شده‌اند، و شامل زمانی از سکوت نیز هست. زمانی از سکوت برای موسی و ایلیا همچنین در فصل یازدهم مکاشفہ به تصویر کشیده شده است، جایی که موسی و ایلیا، آن دو نبی که جهان را عذاب می‌دادند، در کوچه‌ها «کشته شدند». اما پس از سه روز و نیم، از غار حوریب بیرون آمدند و به آسمان صعود کردند. در تاریخ باران آخر، پیام نمایان‌شده به وسیله آن دو

رسول کشته می‌شود و به کوچه افکنده می‌گردد، اما تا هنگامی که قیام نکنند دفن نمی‌شود. این یکی از حقایق اصلی است که شیر قبیله یهودا اکنون در حال گشودن مهر آن است.

آخرین سه مهر، حرکت نهایی قوم خدا را که به وسیله ایلیا و موسی نمایانده شده است، مشخص می‌سازند. آن حرکت می‌میرد و دوباره قیام می‌کند. این یک حرکت است، زیرا آدونتیسم با حرکتی آغاز شد که تا سال 1863 ادامه یافت، زمانی که آنان نخستین حقیقتی را که ویلیام میلر به شناخت آن هدایت شده بود، کنار نهادند. در سال 1863 آن حرکت پایان یافت، زیرا در سال 1863 آنان از نظر قانونی به یک کلیسا تبدیل شدند. آلفا و امگا اصرار دارد که اگر او قوم باقی‌مانده خود را به صورت یک حرکت آغاز کرده باشد، آن را نیز به صورت یک حرکت به پایان خواهد رسانید.

ما اکنون بررسی اجمالی هفت کلیسا و هفت مهر را به پایان رسانده‌ایم. در سه مهر آخر، دو طبقه از رستگاران را می‌بینیم که به وسیله موسی و ایلیا نمایانده شده‌اند. تمامی آن مهرها درباره فرشته مقتدر مکاشفه هجده شهادت می‌دهند. هنگامی که او در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، دو طبقه از رستگاران وارد فرایند تطهیری شدند که برای آشکار ساختن و جدا کردن دو طبقه از پرستندگان درون این جنبش، در پایان آدونتیسم، طراحی شده است؛ همان‌گونه که جنبش در آغاز آدونتیسم، پیش‌نمون آن بود. دانیال مشخص می‌سازد که یک طبقه، که او آنان را شیریان می‌نامد، افزایش معرفت را درک نخواهند کرد، اما حکیمان درک می‌کنند. متی به ما اطلاع می‌دهد که آنان که از فهم معرفتی که مهرگشایی شده است بی‌بهره‌اند، باکره‌ای را به عنوان جاهل معرفی می‌کنند. باکرگان حکیم در بحران نیمه‌شب نشان می‌دهند که افزایش معرفت را درک کرده و در اختیار دارند. حکیمان و جاهلان به وسیله کلیسای فیلادلفیه یا کلیسای لائودیکیه نمایانده می‌شوند. باکرگان جاهل شیریر لائودیکیه باید از دهان خداوند بیرون افکنده شوند، و حکیمان نام خدا، یا سیرت او را، بر پیشانی‌های خود دریافت می‌کنند. اگر کلیسای ششم، یعنی فیلادلفیه، نماینده حکیمان است، پس چگونه است که کلیسای هفتم، یعنی لائودیکیه، نماینده شیریران است؟ اگر چنین است، ترتیب به هم خورده است، مگر نه؟ پاسخ، البته، به وسیله آلفا و امگا حل می‌شود.

در آغاز نخستین قوم نام‌دار خدا، یعنی اسرائیل باستان، موسی مظهر مسیح در پایان آن قوم نام‌دار بود.

زیرا موسی به راستی به پدران گفت: «یهوه خدای شما از میان برادرانتان، نبی‌ای مانند من برای شما برخاورد انگیزت؛ او را در هر آنچه به شما بگوید، خواهید شنید. و واقع خواهد شد که هر نفسی که آن نبی را نشنود، از میان قوم هلاک خواهد شد.» اعمال ۳: ۲۲، ۲۳

در پایان نخستین قوم نام‌دار خدا، یحیی‌ای تعمیددهنده آن پیام‌آور الیاس بود که راه را برای نخستین آمدن مسیح مهیا ساخت. سپس عیسی قربانی خویش را بر صلیب تقدیم کرد و پس از آن کار کهنات اعظم خود را در مکان مقدس قدس آسمانی آغاز نمود. در آغاز دومین قوم نام‌دار خدا، اسرائیل جدید، ویلیام میلر آن پیام‌آور الیاس بود که راه را برای آمدن دوم مسیح آماده ساخت. سپس عیسی ناگهان به قدس‌الاقداس درآمد و داوری را آغاز کرد. در پایان دومین قوم نام‌دار خدا، یک پیام‌آور نهایی الیاس راه را برای مسیح آماده ساخت تا تدبیر داوری زندگان، فرجام کار او به عنوان کاهن اعظم آسمانی، و آمدن دوم او را آغاز کند.

ویلیام میلر نه تنها نماد پیام‌آور است، بلکه نماد جنبشی نیز هست که با آن مرتبط بود.

با لرزش، ویلیام میلر آغاز کرد تا اسرار پادشاهی خدا را برای مردم بگشاید و شنوندگان خود را از خلال نبوت‌ها تا ظهور ثانوی مسیح پیش ببرد. با هر تلاشی، قوت بیشتری می‌یافت. همان‌گونه که یحیی‌ای تعمیددهنده ظهور نخستین عیسی را بشارت داد و راه را برای آمدن او آماده ساخت، ویلیام

میلر نیز، و آنان که با او همراه شدند، ظهور ثانوی پسر خدا را اعلام کردند....

«هزاران تن به پذیرفتن حقیقتی که ویلیام میلر موعظه می‌کرد، هدایت شدند، و خادمان خدا در روح و قوت ایللیا برانگیخته شدند تا این پیام را اعلام کنند.» Early Writings, 229, 230, 233.

در آغاز اسرائیل باستان، خدا موسی را فراخواند؛ کسی که چهل سال آموزش فاسد در مصر را دریافت کرده بود و این امر مستلزم چهل زیستن در بیابان بود تا در تلاشی برای زدودن نفوذ مصر از منش او، آن تأثیر از میان برداشته شود. چهل سال پس از تولدش، موسی با درک این‌که برای بیرون بردن قوم خدا از مصر برگزیده شده است، نیروی بشری را به کار گرفت تا آن مصری را بکشد. چهل سال بعد، نزد بوته مشتعّل، در برابر دعوت خدا سرکشی کرد. پس از آن‌که سرانجام این دعوت را پذیرفت، فرمان ختنه کردن پسرش را نادیده گرفت تا آن‌که با مرگ تهدید شد. بر مرز سرزمین موعود، او سرکشی کرد و صخره را برای بار دوم زد. در آغاز اسرائیل باستان، موسی واجد ویژگی‌های شخصیتی یک لادیکه‌ای بود. با وجود این، او همچنان دعوت والا و مقدس خود را به انجام رسانید، از جمله نمونه‌وار ساختن مسیح در پایان اسرائیل باستان. مسیح، که با یهودیان خریده‌گیر، یا آنان که می‌گفتند یهودی‌اند اما نبودند، در کشاکش بود، نمایانگر شخصیت یک فیلادلفیه‌ای بود. در آغاز اسرائیل باستان، موسی نماینده یک لادیکه‌ای بود که به طلا، سرمه چشم و جامه سفید نیاز داشت. در پایان، مسیح یک فیلادلفیه‌ای است.

در آغاز ادونتیسیم، ویلیام میلر، که به‌وسیله آن اندک کسانی در ساردیس که جامه‌های خود را آلوده نساخته بودند نمایانده می‌شد، فیلادلفیایی را نمایندگی می‌کرد؛ و نیز جنبشی که با او مرتبط بود چنین بود. در پایان ادونتیسیم، جنبشی که در سال 1989 زمان آخر را تشخیص داد، به همان اندازه لاودیکه‌ای بود که موسی بود. جنبش میلری نمونه جنبش Future for America است، با این قید نبوی که جنبش نخست به‌وسیله فیلادلفیاییان در زمان فیلادلفیا تحقق یافت، و جنبش آخر به‌وسیله لاودیکه‌ایان در زمان لاودیکه تحقق می‌یابد.

من بیش از هر شخص دیگری که با تاریخ Future for America مرتبط بوده است، شاهد بخش بیشتری از تاریخ نبوی این جنبش از سال 1989 بوده‌ام، و شهادت می‌دهم که شخصاً از آغاز این تاریخ در 1989 و پس از آن، به‌عنوان یک ادونتیست لاودیکه‌ای مصدّق، در آن سیر کرده‌ام. در طول آن مسیر، جان‌های بسیاری هستند که شهادت مرا تأیید خواهند کرد. همچنین می‌توانم با یقین شهادت دهم که آنان که در پایان ادونتیسیم با این جنبش مرتبط بودند نیز ادونتیست‌های لاودیکه‌ای مصدّق بودند. نخستین قوم دارای عنوان، با یک لاودیکه‌ای آغاز می‌شود که فیلادلفیایی می‌گردد و با یک فیلادلفیایی پایان می‌یابد. دومین قوم دارای عنوان، با یک فیلادلفیایی آغاز می‌شود و با یک لاودیکه‌ای پایان می‌یابد که فراخوانده می‌شود تا فیلادلفیایی گردد. این امضای آلفا و امگا است.

با وجود کوری روحانی رقت‌بار و اسفانگیز رهبر و آنان که با او همراه شدند، خدا همچنان نشانه‌های راه نبوتی را که از ۱۹۸۹ تا کنون رخ داده است، هدایت و کنترل می‌کرد. با وجود برهنگی و فقر روحانی رهبر و آنان که با او همراه شدند، خدا همچنان گشودن مهر حقایقی را که صلاح دید آشکار سازد، هدایت می‌نمود. او در رحمت خویش که هرگز از «حقیقت» او جدا نیست، فرایندی برای تطهیر مقرر ساخت که در آن یک لاودیکه‌ای بمیرد و پس از آن به‌عنوان یک فیلادلفیایی قیام کند. این مرگ و قیام به‌واسطه نویسندگان کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمونه‌وار به تصویر کشیده شد، که هر دو به‌طور نمادین کشته شدند و قیام کردند. یوحنا از مرگ افکنده شدن در دیگی از روغن جوشان قیام کرد، و دانیال از غار شیران گرسنه. از این‌رو، آن دو کتاب، که در حقیقت یک کتاب‌اند، بر نماد مرگ و قیام به‌عنوان بخشی از پیامی که اکنون مهر آن گشوده می‌شود، تأکید می‌نهند.

ہمان گونہ کہ جنبش داورى تحقیقى در «ایام آخر» — کہ به وسیله جنبش میلری نمونہ وار شدہ بود — بہ پایان زمان نزدیک می شد، خدا مقرر داشت کہ رہبر و آن جنبش کشتہ شوند و پس از آن قیام کنند۔ در چارچوب ہفت کلیسا، لائودکیہ در ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ کشتہ شد و می بایست پیش از قانون یکشنبہ در شرف وقوع، بہ صورت فیلادلفیہ قیام کند۔ جنبش برخاستہ از مردگان از ہفت کلیسا می بود، اما ہشتمین نیز می بود۔ آن جنبش ہشتمین می بود، یعنی از آن ہفت۔

یہ نبوی راز مکاشفہ کی کتاب میں کئی گواہوں کی بنا پر مؤید ہے، اگرچہ اب تک پہچانا نہیں گیا۔ اس زمانى دور میں، جس میں ہم اب داخل ہو رہے ہیں، ہم حیوان کے بت کی آزمائش میں داخل ہو رہے ہیں، جس کے بارے میں سسٹر وائٹ ہمیں آگاہ کرتی ہیں کہ یہ وہ آزمائش ہے جو اتوار کے قانون سے پہلے آتی ہے۔ اتوار کے قانون ہی پر خدا کی مہر اس تاریخ کے فلاڈلفیائیوں پر ثبت کی جاتی ہے۔ لیکن انہیں حیوان کے بت کی اُس آزمائش سے گزرنا لازم ہے جو مہلت آزمائش کے بند ہونے سے پہلے آتی ہے۔

«خداوند بہ روشنى به من نشان داده است کہ تصویر وحش پیش از بستہ شدن در فیض تشکیل خواهد شد؛ زیرا این، آزمون بزرگ قوم خدا خواهد بود کہ به واسطہ آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد۔ موضع شما چنان آشفته و آکنده از تناقضات است کہ جز اندکی فریب نخواهند خورد۔»

«در مکاشفہ ۱۳ این موضوع بہ روشنى مطرح شدہ است؛ [مکاشفہ ۱۳-۱۷، نقل شدہ]۔»

«یہ وہ آزمائش ہے جس سے خدا کے لوگوں کو مہر لگائے جانے سے پہلے ضرور گزرنا ہوگا۔ وہ سب جنہوں نے اُس کی شریعت پر عمل کر کے، اور ایک جعلی سبت کو قبول کرنے سے انکار کر کے، خدا کے لیے اپنی وفاداری ثابت کی، وہ خداوند خدا یہوواہ کے علم تلے شمار کیے جائیں گے، اور زندہ خدا کی مہر حاصل کریں گے۔ اور جو لوگ آسمانی ماخذ کی سچائی کو چھوڑ دیں گے اور اتوار کے سبت کو قبول کریں گے، وہ حیوان کا نشان حاصل کریں گے» Manuscript Releases, volume 15, 15

در این برہہ از تاریخ حاضر، آن دو شاخ کہ پیش تر جمہوری خواہی و پروتستانتیسیم شناختہ می شدند، اکنون بالفعل بہ دموکراسی و پروتستانتیسیم مرتد تغییر یافتہ اند۔ ہنگامی کہ آن دو شاخ بہ طور کامل بہ یکدیگر پیوندند، آنگاہ یک قدرت، یک شاخ، را تشکیل می دہند۔ در ہمان دورہ، خداوند شاخ حقیقی پروتستانتیسیم را مشخص ساختہ، برافراشتہ خواهد کرد تا در برابر صورت وحش ہشدار دہد۔ آن دو شاخ تا زمانی کہ ایالات متحدہ از پادشاہی ششم نبوت کتاب مقدس بودن باز نایستد، بہ موازات یکدیگر ادامہ می یابند۔

مکاشفہ سترہ یہ ظاہر کرتا ہے کہ اژدہا (اقوام متحدہ)، حیوان (پاپائی اقتدار)، اور جھوٹا نبی (ریاستہائے متحدہ) کا سہ گونہ اتحاد وہ قوت ہے جو آٹھواں سرے، اور سات سروں ہی میں سے ہے۔ یہ سات سر بائبل کی نبوت کی سلطنتیں ہیں، جن کا آغاز بابل سے ہوتا ہے، پھر مادی و فارس، یونان، اور پھر مشرکانہ روم۔ پھر پانچویں سلطنت پاپائی روم ہے جسے نبوتی طور پر 1798 میں ایک مہلک زخم لگا۔ تاریخ کے اُس مقام پر بائبل کی نبوت کی چھٹی سلطنت، ریاستہائے متحدہ، تخت پر متمکن ہوئی، یہاں تک کہ وہ عنقریب آنے والے اتوار کے قانون کے وقت معزول کر دی جائے گی۔

سازمان ملل متحد آنگاہ بہ وسیلہ آن قدرتی کہ سراسر جہان را وادار می سازد تا تمثالی برای وحش برپا کنند، ناگزیر خواهد شد۔ در آن ہنگام، پادشاہی ششم نیز زخمی مہلک دریافت کردہ است، اما ایالات متحدہ سپس سراسر جہان را مجبور خواهد ساخت کہ رہبری آن را بر سازمان ملل متحد بپذیرد و مطالبہ خواهد کرد کہ آنان ہمچنین اقتدار اخلاقی پاپیت را برای حکومت بر اتحاد سہ گانہ بپذیرند۔

و ساکنان زمین را بہ وسیلہ آن معجزاتی کہ قدرت داشت در حضور آن وحش بہ عمل آورد، فریب می دہد؛ و بہ ساکنان زمین می گوید کہ برای آن وحش کہ زخم شمشیر داشت و زندہ شد،

تصویری بسازند. و او قدرت داشت که به تصویر وحش حیات بخشد، تا تصویر وحش هم سخن بگوید و هم سبب شود که هر که تصویر وحش را پرستش نکند، کشته شود. مکاشفه 13:13، 14.

تنها تعریفی که در الهام برای «صورتِ وحش» آمده است این است که آن نمایانگر اتحادِ کلیسا (قدرتِ پاپی) و دولت است (سازمان ملل متحد، با ایالات متحده که بر آن نه پادشاهِ دیگر تسلط دارد). ایزابل همان قدرتِ پاپی است؛ آخاب ایالات متحده است که پادشاهِ ده سبطِ شمالی می‌باشد.

هنگامی که ایالات متحده در قانون یکشنبه سقوط کند، صور (پاپیت) که از سال ۱۷۹۸ به فراموشی سپرده شده بود، «به یاد آورده می‌شود» و او سرودهای اغواگرانه خود را آغاز می‌کند. به سبب فروپاشی مالی‌ای که در نوشته‌های الن وایت به صورت «ویرانی ملی» بازنمایی شده است، ایالات متحده ناگزیر می‌شود تمام جهان را گرد هم آورد تا با آن قدرت کتاب مقدسی که دست هر انسانی را بر ضد او برمی‌انگیزد، مقابله کند. آن قدرت، اسلام است، چنان که در اسماعیل، نیای اسلام، به تصویر کشیده شده است.

و فرشته خداوند به او گفت: «اینک تو آبستن هستی و پسری خواهی زایید و نام او را اسماعیل خواهی نهاد، زیرا خداوند تنگی تو را شنیده است. و او مردی وحشی خواهد بود؛ دست او بر ضد هر کس، و دست هر کس بر ضد او خواهد بود؛ و او در حضور همه برادران خویش ساکن خواهد شد.» پیدایش 16:11، 12

ایالات متحده با آن نه پادشاهِ دیگر اتحادی تشکیل می‌دهد و جایگاه رهبری را بر عهده می‌گیرد. این کار را تنها برای زمانی کوتاه انجام می‌دهد، و سپس اصرار خواهد ورزید که قدرتِ پاپی بر تمام آن حاکم گردد، همان‌گونه که ایزابل آخاب را تحت سلطه داشت.

پس، اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش، و نبی کاذب با هم به سوی هارمجدون روانه می‌شوند. عدد هشت نمایانگر رستاخیز است، و آن مملکتی که نبوت آن را به عنوان دریافت‌کننده زخمی مهلک یاد می‌کند، مملکت پنجم، یعنی قدرتِ پاپی، بود. هنگامی که پاپیت رستاخیز می‌یابد، به مملکت هشتم بدل می‌شود و زمام اتحاد سه‌گانه به آن سپرده می‌شود، و آن مملکت هشتم همان یک سر از هفت مملکت است که به عنوان دریافت‌کننده زخمی مهلک شناخته شده است؛ اما الهام همچنین شفا یافتن آن زخم مهلک را نیز معرفی می‌کند.

«چنان‌که به بحران نهایی نزدیک می‌شویم، بسیار حیاتی است که در میان ابزارهای خداوند هماهنگی و یگانگی برقرار باشد. جهان از طوفان و جنگ و نزاع آکنده است. با این حال، مردم زیر یک سر—قدرتِ پاپی—متحد خواهند شد تا در شخص شاهدان او با خدا مخالفت کنند. این اتحاد به وسیله آن مرتد عظیم استوار می‌گردد. در حالی که او می‌کوشد عوامل خود را برای جنگیدن علیه حقیقت متحد سازد، خواهد کوشید مدافعان آن را تقسیم و پراکنده کند. حسادت، گمان بد، بدگویی، به وسیله او برانگیخته می‌شود تا نفاق و تفرقه پدید آید.» شهادت‌ها، جلد ۷، ۱۸۲.

پانچویس پادشاهی، چپٹی پادشاهی اور ساتویس پادشاهی اُس مقام پر اپنی اپنی انفرادی بادشاہتیں کھو چکی ہوں گی، لہذا اُن کی متعلقہ تمام بادشاہتیں ایک ہی پادشاہی کے طور پر، جو تین حصوں پر مشتمل ہوگی، یکجا طور پر دوبارہ زندہ کی جائیں گی، اور یوں الوہیتِ ثلاثہ کی سہ گانہ ساخت کی جعل سازی کی جائے گی۔

ششمین پادشاہی که با دو شاخ همچون برّ آغاز می‌شود و به صورت یک شاخ که همچون اژدها سخن می‌گوید پایان می‌یابد، واجد ویژگی نبوی قدرتِ پاپی است، زیرا به صورتِ تصویر وحش درمی‌آید. این وحش، یعنی قدرتِ پاپی، است که در درجه نخست به عنوان پادشاہی هشتم برخاسته از مرگ، که از آن هفت بود، بازنمایی شده است. اما هرچند این قدرتِ پاپی است که به طور مستقیم‌تر

معمای نبوی «هشتم بودن و از آن هفت بودن» را به انجام می‌رساند، ایالات متحده تصویری از پاپیت پدید می‌آورد و از این رو از نظر نبوی همان ویژگی‌ها را که قدرت پاپی دارد، تولید می‌کند.

ایالات متحده در سال 1798 آغاز شد، هنگامی که مطابق اشعیا بیست و سه، صور، یعنی قدرت پاپی، می‌بایست تا پایان پادشاهی ششم به فراموشی سپرده شود. سال 1798 برای میلری‌ها در آغاز ادونتیس، زمان آخر بود. تا بهار 1844، ادونتیس میلری ردای پروتستانتیسم را پذیرفته بود؛ همان ردایی که به موازات شاخ جمهوری خواهی قرار دارد و نمایانگر حکومت ایالات متحده است. آن دو شاخ بر یک حیوان هستند، از این رو در طول تاریخ با هم پیش می‌روند. آغاز و پایان ادونتیس به موازات شاخ جمهوری خواه قرار دارد. تاریخ 1798 تا زمانی که پروتستان‌ها پیام فرشته اول را رد کردند، دوره‌ای بود که خدا در آن شاخ پروتستان را برقرار ساخت. او این کار را از طریق فرایند آزمون انجام داد، همان گونه که با شاخ جمهوری خواه نیز چنین کرد. درباره شاخ‌های موازی سخن بسیار است، اما اکنون نه.

شاخ جمهوری خواه با پروتستانتیسم مرتد زنا می‌کند، نه با شاخ حقیقی پروتستان؛ زیرا شاخ حقیقی عروس بره است و او باکره می‌باشد. از زمان پایان در سال ۱۹۸۹ تاکنون، هفت رئیس‌جمهور بوده‌اند. ششمین آن رؤسای جمهور، در همان سالی که جنبش واقع در پایان ادونتیس نیز زخم مهلک دریافت کرد، زخم مهلکی دریافت نمود. هشتمین رئیس‌جمهور از زمان پایان در ۱۹۸۹، همان کسی خواهد بود که زخم مهلکی دریافت کرد و آن زخم شفا یافته است. او باید رئیس‌جمهوری باشد که از آن هفت است. هم‌زمان، در سال ۲۰۲۰، هنگامی که ششمین رئیس‌جمهور زخم مهلک خود را دریافت کرد، آن شاخ نیز که اکنون حامل ردای پروتستانی بود، کشته شد. همان گونه که درباره وحش کاتولیسیم صادق است، و همان گونه که درباره صورت وحش پروتستانتیسم مرتد صادق است، درباره شاخ اصیل پروتستان نیز چنین است. شاخ پروتستان به صورت کلیسای ششم به تصویر کشیده شده است؛ کلیسایی که هشتم می‌شود، اما از آن هفت است.

هنگامی که این ادعاها را می‌آزمایید، به یاد داشته باشید که پیامی که اندکی پیش از بسته شدن مهلت آزمون گشوده می‌شود، بی‌تردید در چارچوب این اصل ارائه خواهد شد که آغاز، پایان را به تصویر می‌کشد. آن پیام با روش‌شناسی «تاریخ‌گرایی» عرضه خواهد شد؛ روشی که تاریخ کتاب مقدسی را در تطبیق با تاریخ جهان به کار می‌گیرد تا پایان جهان را شناسایی کند. آن پیام از زمین برمی‌خیزد.

راستی از زمین خواهد رویید، و عدالت از آسمان خواهد نگرست. آری، خداوند آنچه نیکوست عطا خواهد فرمود، و زمین ما محصول خود را خواهد داد. عدالت پیشاپیش او خواهد رفت، و ما را در طریق قدم‌های او قرار خواهد داد. مزبور ۸۵: ۱۱-۱۳

این تنها بدین معنا نیست که در آن بخش، «زمین» به عنوان یک «سرزمین» شناخته می‌شود. آن بخش در مزامیر نه تنها «سرزمین» را همان وحش «زمین» در مکاشفه سیزده معرفی می‌کند، بلکه همچنین اشاره می‌دارد که «راستی» از زمین «می‌رویید».

«کدام ملت جهان جدید در سال 1798 در حال برخاستن به قدرت بود، نوید قوت و عظمت می‌داد، و توجه جهان را به خود جلب می‌کرد؟ انطباق این نماد هیچ جای پرسشی باقی نمی‌گذارد. یک ملت، و تنها یک ملت، با ویژگی‌های این نبوت مطابق است؛ این نبوت بی‌هیچ ابهامی به ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند. بارها و بارها، اندیشه نویسنده مقدس، و تقریباً عین الفاظ او، ناآگاهانه به وسیله خطیب و مورخ در توصیف ظهور و رشد این ملت به کار رفته است. آن وحش دیده شد که «از زمین برمی‌آید»؛ و بنا بر گفته مترجمان، واژه‌ای که در اینجا «برمی‌آید» ترجمه شده، در معنای تحت‌اللفظی خود دلالت دارد بر «رشد کردن یا سر برآوردن همچون گیاهی.»»
جدال عظیم، 440.

ایالات متحده همان وحش زمین است که «برمی‌خیزد». پس هنگامی که ادعاهای مطرح‌شده در این مقالات را می‌آزمایید، وحی تصریح می‌کند که این پیام بر این اساس خواهد بود که پایان به‌وسیله آغاز به تصویر کشیده می‌شود؛ در چارچوب خط تاریخی بر خط تاریخی قرار داده خواهد شد؛ و باید از صدایی در ایالات متحده برخیزد. البته در درون ایالات متحده صداهای کاذب نیز وجود دارند، اما بر طبق و بر بنیاد اقتدار کلام خدا، هر پیام‌آور یا خدمتی که در خارج از ایالات متحده قرار داشته باشد یا منشأ آن خارج از ایالات متحده باشد، نوری کاذب است. ادونتیسیم در ایالات متحده، با صدای یک مرد و جنبشی که در ایالات متحده استقرار یافت، آغاز شد. عیسی پایان یک امر را با آغاز آن امر به تصویر می‌کشد.

هر که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.